

دو فصلنامه علمی- پژوهشی «پژوهش زبان و ادبیات فارسی»

شماره دهم، بهار و تابستان ۱۳۸۷: ۴۰-۱۹

تاریخ دریافت: ۱۳۸۶/۶/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۶/۱۲/۲۲

مولوی پژوهی و مولوی پژوهان در کشورهای انگلیسی زبان

احمد تمیم‌داری*

چکیده

موضوع این مقاله در حوزه ادبیات تطبیقی و بررسی و تحلیل اثرپذیری ادیبان، متفکران و مترجمان از آثار ادب پارسی به ویژه آثار مهم مولاناست. در این بررسی کوشیده‌ایم با بزرگان ادب انگلیسی و آمریکایی که آثار مهمی از طریق ترجمه یا اقتباس تدوین کرده‌اند و در شناسایی و شناساندن ادبیات فارسی به ویژه شعر مولانا در کشورهای انگلیسی زبان همت گمارده‌اند، آشنا شویم. از قرن هجدهم توجه به ادبیات فارسی آغاز گردید و به ترجمه و اقتباس از آثار ادب فارسی پرداخته شد. رویکرد به آثار مولانا هم بسیار مهم تلقی شد. تعالی‌گرایان انگلیسی و آمریکایی مکتب تعالی‌گرایی را با مطالعه و تحقیق در آثار مولوی، به کمال رسانیدند. در اواخر قرن نوزدهم گزیده متون شرقی با همت مانکار دانیل کانوی انتشار یافت. پاره‌ای از داستان‌های مثنوی، آرمان‌های اخلاقی و رفتاری را در جامعه انگلیسی و آمریکایی مطرح کرده است. ویلیام، آر، آلگر نخستین گلچین آمریکایی ادبیات شرقی را منتشر ساخت. ادوارد. جی. براون مقدمه منثور دفتر اول مثنوی را به انگلیسی ترجمه نمود. رینولد الین نیکلسون هم هشت جلد کتاب در شرح مثنوی تألیف نمود و پانزده سال از عمرش را بدین مهم اختصاص داد. آرتور جی. آربری یکی دیگر از متفکران بزرگ در مطالعات مولوی‌پژوهی به شمار می‌آید. جیمز جی. کوان مدرس هنر، پنجاه شعر برگزیده نیکلسون را از دیوان شمس تبریزی، در ساختار شعر نو بازنویسی کرده است. اندرو هاروی آثاری در بزرگداشت مولوی، بازآفرینی اشعار او، از جمله شعله سخنگو، نور در نور و دیگر کتاب‌هایی که همه درباره مولاناست، منتشر کرده است.

واژگان کلیدی: ادبیات تطبیقی، ادبیات شرقی، ادبیات غربی، شعر فارسی، مثنوی معنوی، غزلیات شمس، تعالی‌گرایی، عرفان، ادیان.

مقدمه

فردوسی، سعدی، نظامی، مولوی و حافظ را شاعران خمسه فارسی به شمار می‌آورند و هر یک از این بزرگان از حیث نظم و نثر و قالب سخن، به ویژه از جهت محتوای معارف اخلاقی و عرفانی تأثیر فراوانی بر ادبیات جهانی داشته‌اند. البته خیام را هم باید ذکر کنیم که در خارج از مرز و بوم ایران آن‌چنان اثرگذار بود که ترجمه‌های آزاد فیتزجرالد نهضت بزرگی در ادبیات اروپایی و آمریکایی پدید آورد که کم‌کم به یک آیین یا مذهب تبدیل شد و رباعیاتش همچون یکی از کتب مقدس به شمار رفت که گروه‌های فراوانی به آن ایمان آوردند و گروه‌هایی هم نسبت بدان کافر شدند. به طور کلی تأثیرات شاعران فارسی زبان ایرانی را در کشورهای غربی و آمریکای شمالی به چندگونه می‌توانیم بررسی کنیم:

۱. ایجاد، ترویج و توسعه سبک رمانتیک در اثر ترجمه آثار شاعران سبک عراقی.
 ۲. پدیدآمدن زیبایی‌شناسی جدید در ادبیات اروپایی و دور شدن از زیبایی‌شناسی کلاسیک.
 ۳. رشد فلسفه‌های سیاسی و تعلیم و تربیت جدید از طریق ترجمه‌های گلستان و بوستان.
 ۴. توسعه و رشد فلسفه‌ی تعالی‌گرا^۱ تحت تأثیر ترجمه آثار سعدی، حافظ و مولوی.
- موارد یاد شده از مهم‌ترین تأثیرات ادبیات فارسی در سرزمین‌های غربی است. نباید فراموش کنیم که از شاعران مذکور به ویژه خیام تعبیرات سوئی هم به عمل آمده و چه بسا کافه‌ها و میخانه‌هایی که با عنوان خیام نام‌گذاری شده است! اما وجه غالب تأثیر همان‌هاست که با چهار شماره ذکر کردیم.
- آثار محمد جلال‌الدین بلخی (۶۷۲-۶۰۱ ق) دیرتر از آثار دیگر شاعران فارسی زبان ترجمه شد. دشواری متون ادبی آثار مولانا جلال‌الدین و به ویژه آمیختگی مثنوی با زبان ساده و گاه مشکل، معارف گوناگون اسلامی و استفاده از داستان‌ها و فرهنگ عامه، آیات قرآنی و احادیث دینی و روش وعظ و خطابه، کلام و فلسفه اسلامی و شرقی ... همه و همه ترجمه و درک مثنوی را مشکل می‌ساخت و همین دشواری متون ادبی مولانا جلال‌الدین موجب شد که مانند خیام و حافظ فیتزجرالد و گوته‌ای نیابد که به ترجمه و

1. Transcendentalism.

اقتباس و ترویج آن آثار پرداخته شود، تا اینکه سرانجام در قرن هجدهم و عمدتاً در قرن نوزدهم و بیستم شخصیت‌های بزرگی همچون وینفیلد، نیکلسون و آربری دامن همت به کمر زدند و به ترجمه و شرح آن آثار پرداختند. اینک پاره‌هایی از معروف‌ترین و اثر بخش‌ترین تحقیقات، ترجمه‌ها و شرح‌ها و اقتباس‌های دانشمندان غربی از آثار مولانا را می‌آوریم.

در معرفی سیر مولوی پژوهی در سرزمین‌های انگلیسی‌زبان باید نخست به سر ویلیام جونز (۱۷۹۴-۱۷۴۶) اشاره نماییم، او مثنوی را در رتبه هشتم فهرست آثار خواندنی قرار می‌دهد و در یادداشتی که پس از مطالعه مثنوی در حاشیه آن نگاشته است، چنین می‌آورد:

«شاید کتابی به ارزشمندی مثنوی تا حال به دست انسان سروده نشده باشد. زیبایی‌ها و عیوب آن به یک اندازه شگرف است؛ کتابی است با نکات ناب اخلاقی، اشعاری زیبا، سرشار از لطافت طبع و بذله‌گویی و همچنین لطیفه‌های ملال‌آور، با استهزا کردن مذاهب مرسوم و در عین حال حس متعالی پارسایی. مثنوی همچون دشتی دست نخورده و پوشیده از گل‌های فراوان و در اقلیمی مساعد است. نویسنده‌ای غیر از چاسر یا شکسپیر سراغ ندارم که با مولوی قابل قیاس باشد» (لویس، ۱۳۸۳: ۶۹۴).

ادوارد بایلز کاول (۱۹۰۳-۱۸۲۶)، استاد سنسکریت دانشگاه کمبریج، ادوارد هنری پالمز از جمله شاگردان او، سرهنگ ویلبر فورس کلارک، سرگرد جی. استیفنسن از مدیران و افسران بریتانیایی مستقر در هند، بانو گرتروود بل (۱۹۲۶-۱۸۶۸) و ادوارد براون از برجسته‌ترین محققان ادبیات فارسی بودند که در اواخر قرن نوزدهم به تحقیق و مطالعه مثنوی پرداختند.

ساموئل رابینسون^۱ (۱۸۸۴-۱۷۹۴) به طور نسبی دانش پژوهی آماتور در زمینه شعر و ادبیات فارسی به شمار می‌آید. وی در ابتدا صاحب یک کارخانه نساجی در منچستر بود، در سال ۱۸۶۰ بازنشسته شد و یک دهه بعد، به چاپ مجموعه‌ای از برگردان‌های اشعار شاعران برجسته فارسی اقدام نمود که شایسته تحسین دانشمندان عالم‌تر از او بود. علاقه رابینسون به مضامینی از این دست محدود به دوران بازنشستگی او نمی‌شد، چه او در بیست و پنج سالگی نیز به قرائت مقاله‌ای برگرفته از تحقیقات زبان شناختی سرویلیام جونز در انجمن چاسر پرداخته بود. به طور کلی میزان تسلط وی بر زبان

1. Samuel Robinson.

پارسی مشخص نیست، زیرا ترجمه‌های او تا حد بسیاری، بر آثار دانشمندان آلمانی متکی است، با وجود این، رابینسون در دو زمینه زیبایی ترجمه و صحت اطلاعات در زندگی‌نامه نویسی شاعران، معیارهای ارزشمندی را رعایت کرده است. نشر ساده و بی‌پیرایه او به پیروی از کتاب مقدس، برای ترجمه‌های مشابه، یعنی آنچه جاستین اچ. مکاریتی^۱ از اشعار حافظ و خیام، عرضه کرد؛ نمونه و معیار بوده است (Rabinson, 1870).

هر چند کارهای رابینسون همواره عالمانه نبود، ذوق وی عدم خبرگی را جبران می‌کرد. او بعدها، با مطالعه متون منتشر شده درباره شعر و همچنین ترجمه فرانسوی ژول مول^۲ به طور کامل در دانسته‌های خود تجدید نظر کرد و اصلاحاتی پدید آورد (Sketch of the Life and Writings of Ferdusi, 1876).

وی پس از فراهم نمودن گزیده خود از اشعار سعدی با رجوع به متن گراف^۳، پیروی از روش تحقیق او در تهیه اثر خود بهره برد هرچند که با آثار جنیتوس^۴، گلاوین^۵، دومولین^۶، لی^۷ (۱۷۸۳-۱۸۵۲)، راس^۸، ایستویک^۹ و همچنین مترجمان آلمانی و فرانسوی، به خوبی آشنا بود. او در پیوست مجلد آخر، برگردان‌هایی از مثنوی معنوی، اثر جلال‌الدین رومی را ضمیمه کرد. این موضوع بیانگر رویکرد نوین اروپا به عرفان ایرانی بود؛ رویکردی که آبشخور آن را می‌توان کشور آلمان دانست (Flowers Culled from the Gulistan ... 1876).

دبلیو.ای. کلوستون^{۱۰} در سال ۱۸۸۳ مجموعه کامل ترجمه‌های رابینسون را از ادبیات فارسی منتشر کرد و در آن به این جریان جدید، توجه نمود، او نقد خود بر ترجمه‌های اخیر ردهاوس^{۱۱} از بخشی از مثنوی را به عنوان مقدمه‌ای در تصوف بر کتاب خود افزود. کوشش‌هایی در درک ادب پارسی در دوران ویکتوریایی در آثار کشیش ادوارد بایلز کاول؛ به ثمر رسیده کار او همان گونه به جامعه ویکتوریایی یاری رساند که فعالیت‌های

-
1. Justin H. McCarthy.
 2. Jules Mohl.
 3. Graf.
 4. Gentius.
 5. Gladwin.
 6. Dumoulin.
 7. Lee.
 8. Ross.
 9. Easkwick.
 10. W.A.Clouston.
 11. Redhouse.

جونز به مکتب رمانتیک.

کاول به واقع یک دانشمند ایران پژوه نبود، اما توانست با فراهم آوردن آثار دانشمندان اروپایی که در شکوفا شدن دانش نوپای زبان‌شناسی تطبیقی نقش داشتند، اساس پژوهش‌ها و مطالعات زبان فارسی را در انگلستان ارتقا بخشد.

هر چند کاول به شاعران فارسی کمک کرد تا از بندهایی رهایی یابند که در دوران گذشته دست و پای آنها را بسته بود، خود مرتکب تحمیل جذابیت‌های اخلاقی خود بر شاعران شد. وی یک مسیحی پرهیزگار و آزاد فکر بود و می‌خواست تا هم جانب مذهب خود را نگه دارد و هم جانب مذهب بیگانه را که در نظر او محترم بود. اگر مطالعه ادبیات فارسی در قرن هجدهم به فرمان امپراتوری دنبال می‌شد، شاید اکنون به هدف والاتری دست می‌یافت که آن عبارت بود از گسترش مرزهای معنوی در میان رعایای امپراتوری و به واقع در میان همه مردم. با توجه به جلوه‌های چند بعدی و چند معنایی اشعار صوفی، کاول می‌اندیشید که به وسایلی اثرگذار دست یافته و شاید بتواند از این طریق میان فلسفه‌های مذهبی شرق و غرب پیوند پدید آورد. ایجاد این نوع اتحاد معنوی و روحی در دوره خردگرایی سر ویلیام جونز چندان ضروری نمی‌نمود و جونز خود همچون معاصرانش، چندان اشتیاقی به مذهب نداشت. جونز با تمکین به نظام مذهبی هنری تصوف نگاه می‌کرد، در حالی که کاول، برعکس، در تصوف، آن مایه از یگانگی روحانی را دنبال می‌کرد که بتواند تمام مردم جهان را با یکدیگر پیوند دهد:

«به نظر می‌رسد که تصوف بنا بر قانونی اجتناب‌ناپذیر از اندیشه آدمی سرچشمه

می‌گیرد ...»

عشق ذاتی در تصوف، که در دل جای دارد، در هر مذهبی اشتیاق لازم را برای تحریک و جنبش این مذهب پدید می‌آورد. اسرار الوسینی (جشن مذهبی سالیانه در یونان)، آیین برهمنی هند، تصوف ایرانی و در زمان خود ما تصوف جدید آلمانی، از ریشه‌های عمیق یگانه برخاستند و تفاوت آنها تنها تحت شرایط گوناگون زمان و مکان پدید می‌آیند» (Persian Poetry for English Readers, 1883).

در نظر ویکتوریایی‌ها، سودمندترین کتاب با موضوع عرفان و تصوف «ساعاتی با عرفا» نوشته رابرت وگن بود. این کتاب نخستین بار در سال ۱۸۵۶ منتشر شد و تا سال ۱۸۶۵ به چاپ هفتم رسید. کتابی جذاب بود که در قالب گفت و گوهای سقراطی نوشته

شده بود و به نظام‌های اصلی عرفانی در شرق و غرب می‌پرداخت. تفسیر و گن از تصوف ایرانی نتایج تجربیات دست اول نبود، اما به این دلیل شایستگی‌ای داشت که به گونه‌ای نظام‌مند میان آنچه اروپاییان اشتیاق مبهم مذهبی محسوب می‌کردند و نهضت‌های همسان و وضعیت‌های روانی که برای غرب آشنا بود، رابطه ایجاد کرد. وگن به درستی در اندیشه رالف والدو امرسون، نوعی همدلی با صوفیان ایرانی و درویشان ودایی هندی یافته بود. او بیان پرشور صوفیانه را با کشف و شهود آلمانی برابر می‌پنداشت، کشف و شهودی که ذهنیت و عینیت را یکی می‌دید، آن چنان که در اثر آن تمام تعینات ناپدید می‌شوند. بدون آنکه تمایلات خود را پنهان کند، می‌افزاید:

«اگر این اصل صوفیانه به واقع درست باشد، ناچار زبان و بیان آن هم باید بهترین باشد، و آنچه در نزد عقل سلیم، جنون کامل آتشین ایرانی به نظر می‌رسد، بر زبان سرد و خالی از منطق تصوف جدید آلمانی ترجیح دارد» (Persian Poetry" VII March- June 1847.NO.2).

مهم‌ترین پرسشی که در این دوران آلمانی‌ها و انگلیسی‌ها به آن می‌پرداختند این بود که آیا می‌توان فلسفه یا شعر را جانشین مذهب رو به زوال نمود؟ آلمانی‌ها فلسفه را برتر می‌دانستند، اما انگلیسی‌ها چندان مستعد آن نبودند تا به صوفیان آلمانی گوش فرا دهند؛ زیرا اغلب به موعظه می‌پرداختند، از این روی ادبیات را ترجیح می‌دادند. کاول به هر صورت به وحدت وجود تمثیلی و نظام‌مند صوفیان تمایلی نداشت، و از سوی دیگر برای رها کردن مسیحیت نیز آماده نبود؛ چرا که همچنان در یافتن مفاهیم مسیحیت در اشعار صوفیانه به توافق با خویشان نرسیده بود، برای او لذت‌بخش بود که در آثار جلال‌الدین رومی، عقیده به آزادی اراده و انعطافی در نوعی از تضادهای اخلاقی را درمی‌یافت، تضادی که تنیسون در اثر خود با عنوان «دو صدا» به تشریح آن پرداخته بود. او تقریباً با نگاهی مخالف‌آمیز از فلسفه بسیار شکوهمند مولوی رومی سخن گفت. (Vaughan, " Vol. II, Bk. 7, Chaps. I, II) هر چند با خصلت اجتناب از افراط‌گری‌های ویکتوریایی، تصوف را بر پایه اصطلاحات آن نپذیرفت و نتیجه کار این شد که در برخورد فلسفی به مصالحه پرداخت.

تعالی‌گرایان^۱ در آمریکا شامل دو نسل می‌شوند، رابط میان این دو نسل مانکار دانیل

1. Transcendentalists.

کانوی^۱ (۱۹۰۷-۱۸۳۲) است. کسی که در عین حال آمریکاییان را با دوستداران انگلیسی ادبیات پارسی، در اواخر نوزدهم مرتبط ساخت. اثر وی به نام *گزیده مقدس (شرقی)*: کتاب *متون مقدس/اخلاقی*^۲، به سال ۱۸۷۰ انتشار یافت، هر چند که ظاهراً تألیف آن از دهه پنجاه شروع شده بود. (The quotation from Hegel ... William Hastie, 1903:61) او از امرسون و آموس برونسون الکت^۳ (۱۸۸۸-۱۷۹۹) پا فراتر گذاشت و اصطلاح کتاب مقدس را نه تنها برای سعدی و حافظ که برای عمر خیام تازه کشف شده نیز به کار برد. در حقیقت جدای از سعدی، بیشترین تعداد نقل قول‌های فارسی مربوط به خیام بود. با وجود این، هر چند چاپ اول کتاب فیتزجرالد در منابع آمده، حتی یک رباعی نیز از این ترجمه در آن کتاب ذکر نشده است. برعکس، ترجمه‌های فرانسوی نیکولاس به نثر ادبی انگلیسی برگردانده شده‌اند. این ترجمه‌ها حاوی تفاسیری صوفیانه بودند و این کار سازگاری جالبی بود که کانوی برای خوانندگان متفاوت‌اش، از اصلاح‌گرایان اخلاقی تا اخلاق‌ستیزان پایان قرن، صورت داده بود.

کتاب کانوی سرشار از غلط‌هایی بود که در اثری با این حجم اجتناب‌ناپذیر بود. نقل قول‌ها از جلال‌الدین رومی با سه عنوان: رومی، مولوی رومی و مثنوی آورده شده است؛ اقتباس‌های امرسون هم رده ترجمه‌های سر ویلیام جونز تلقی شده‌اند حتی در مواردی که تفاوت فاحشی با منابع فارسی داشته‌اند. این کتاب بی‌توجه به عیب‌ها و نقص‌هایش در ترویج حکمت متعالیه، سودمند بود، چرا که آغازگر ادغام تدریجی آن در خاستگاهش یعنی یکتاپرستی مسیحی بود.

جیمز راسل لوول^۴ (۱۸۹۱-۱۸۱۹) در عین حال هم مانند یک عالم به ادبیات شرقی علاقه داشت و هم مانند یک شاعر رمانتیک تمایل داشت تا برخی از مضامین ادبیات شرقی را به جریان سروده‌های انگلیسی و آمریکایی وارد سازد. وابستگی او به شرق همچون بایرون در آثار او نمایان است. علاقه بسیار وی به شرق در گفته‌های او پس از بازدید از قسطنطنیه آشکار می‌شود:

... ترک‌ها را دوست دارم

1. Moncar Daniel conway.

2. Sacred Anthology (Oriental): A Book of Ethnical Scriptures.

3. Amos Bronson Alcott.

4. James Russell Lowell.

همچنین پس از بازدید از اسپانیا می‌گوید:

«هالی اسپانیا را دوست دارم ... آنان هنوز شرقی‌اند» (Cowell, July- Aug. 1848: 39, 149). اشتیاق بسیار وی نسبت به تمدن آسیا شگفت‌انگیز بود. او زمانی بیان کرد: «گرچه تنها از طریق ترجمه‌های اروپایی ادبیات آسیا را مطالعه کرده‌ام اما حس می‌کنم که گویی در زمان‌های دور و فراموش شده در شرق زیسته‌ام» او با تمجید و ستایش از شاهنامه فردوسی سخن می‌گفت و از عدم توجه به این گونه آثار تأسف می‌خورد. (Letters of James Russell Lowell, 1894, II: 222) لوول بسیاری از اشعار خود را به شیوه شرقی نگاشت. یوسف حکایتی جالب با اندرزی تأثیرگذار است. این داستان که یادآور آثار سعدی و مولوی رومی است قصه غریبه‌ای را حکایت می‌کند که به خیمه یوسف وارد می‌شود و از مهمان‌نوازی بزرگوارانه وی برخوردار می‌گردد و سرانجام این راز برملا می‌شود که وی ابراهیم، قاتل پسر یوسف است! شاعر به گونه‌ای رقت‌انگیزی نتیجه‌گیری می‌کند، یوسف هدایایی را که بر مرد بیگانه بخشیده بود چند برابر کرده، به او می‌گوید که تنها اندیشه سیاهش او را در بیابان همراهی خواهد کرد. سپس پسر کشته شده‌اش را می‌خواند و فریاد می‌زند:

... تو ای پسر نخستین من، انتقامت را به خوبی گرفتم، در آرامش بخواب (Ibid: 234). داستان مشهور مولوی رومی درباره دوستی که به در می‌کوبد و رانده می‌شود (هنگامی که در پاسخ به این پرسش که کیستی؟ می‌گوید «من هستم») در اندیشه لوول رنگ شگفتی به خود می‌گیرد. قصد رومی نشان دادن تفکر صوفیانه وحدت وجود بود، اینکه عامل و معمول، انسان و خدا، من و تو، یکی هستیم. لوول این حکایت را در رساله خود می‌آورد تا این اصل را همان گونه که تئودور پارکر^۱ اعلام داشته است به اثبات برساند:

نه تنها من هم مثل شما شایسته‌ام، بلکه شما نیز چونان من شایسته هستید.

لوول حکایت را این گونه بازگو می‌کند:

حکایتی زیبا و عمیق از شاعر پارسی جلال‌الدین مولوی به ما می‌گوید «کسی در خانه محبوب خود را کوبید. صدایی از درون پرسید «کیست؟» و او پاسخ داد که «من هستم» آن صدا در جواب گفت «در این خانه بر روی آن که من و تو دارد گشوده

1. Theodor Parker.

نیست»؛ در گشوده نمی‌شود، پس از آن عاشق سر به بیابان می‌گذارد و در تنهایی خویش به روزه و عبادت می‌پردازد و پس از یک سال باز می‌گردد و دوباره بر در می‌کوبد؛ باز هم صدا می‌پرسد کیستی؟ و او می‌گوید «تویی»؛ و در، به روی او باز می‌گردد (Lowell, 1904, XII, 123).

آن یکی آمد در یاری بزد	گفت یارش کیستی ای معتمد
گفت من، گفتش برو هنگام نیست	بر چنین خوانی مقام خام نیست
خام را جز آتش هجر و فراق	کی پزد کی وارهند از نفاق
رفت آن مسکین و سالی در سفر	در فراق دوست سوزید از شر
پخته‌گشت آن سوخته پس بازگشت	باز گرد خانه همباز گشت
حلقه زد بر در به صد ترس و ادب بر	تا بنجهد بی‌ادب لفظی ز لب
بانگ زد یارش که بر در کیست آن	گفت بر در هم تویی ای دلستان
گفت اکنون چون منی ای من درآ	نیست گنجایی دو من را در سرا

در سال ۱۸۵۶ ویلیام. آر. آلگر^۱، یکی از دوستان امرسون، نخستین گلچین آمریکایی ادبیات شرقی را منتشر ساخت که در سال ۱۸۶۵، دوباره به چاپ رسید و این مجموعه ادبی پس از اثر والای امرسون، به بیشترین ارزش و اعتبار دست یافت (Ibid, XII:246). نشریه فصلنامه ملی نیز در سال ۱۸۶۱ حدود ۳۰ صفحه از بحث‌های کلی خود را به ادبیات فارسی و به ویژه به شخصیت‌هایی همچون فردوسی، جامی و مهم‌تر از همه به تصوف جلال‌الدین رومی، اختصاص داده بود (Ibid, VII: 18).

ترجمه رباعیات خیام اثر فیتزجرالد موافقان و مخالفان بسیاری داشت، از جمله رو. ویلیام هستای^۲ دانشجوی اسکاتلندی مکتب ایده آلیسم هگلی، گمان می‌کرد که راه چاره را یافته است:

ما اعتراف می‌کنیم که از وصله پینه‌ای که فیتز جرالده از اثر عمر خیام ترتیب داده بود، متنفریم و بارها وسوسه شدیم که به مکتب متعصب، بیمار، خودفریب و پُرادبار او اهانت کنیم. اما هنگامی که ما دوباره بر چهره درخشان و چشمان شاد جلال‌الدین، نگریستیم، نفرت ما به تأسف تبدیل شد و تحقیر ما جای خود را به شفقت داد.

1. William. R. Alger.

2. Rev. William Hastie.

هستای، این عبارات را بر ردّ خیّام در کتابی آورد که برخی از اشعار عرفانی جلال‌الدین رومی به صورت جرح و تعدیل شده‌ای (از روی نسخه آلمانی) در آن گردآوری شده بود (Vol VI Jan- June 1855: 119 FF).

اگرچه کلیسای خشک مسیحی، خود در نبرد با رباعیات موفق نشده بود، اینک فرصت دیگری را در عرفان اسلامی و در میان آثار شاعر و صوفی بزرگ ایران - مولانا - به دست آورده بود.

تقریباً تمام دانشجویان مذهب و عرفان در انگلستان برای پذیرش این یاری از جانب مولانا مهیا بودند. ویلیام رالف اینگ^۱ (۱۸۶۰-۱۹۵۴) رئیس دانشکده که فرد بدبینی نیز بود، در اواخر قرن نوزدهم، طی یک سخنرانی از بی‌قاعدگی و مهار نشدن عرفان در تصوّف ایرانی انتقاد کرد (که این البته درک شخصی خود او از تصوّف ایران بود) او چنین بیان کرد که با در نظر گرفتن خدا به عنوان موجودی همواره حاضر و ناظر و افضل موجودات و انکار وجود شیطان، تصوّف به نوعی جاودانگی بی‌منطق و بدبینانه می‌رسد، او نوعی تمایل به خود - خداپنداری - را به طور مشترک میان شاعران صوفی و رالف والدو امرسون^۲ (۱۸۸۲-۱۸۰۳) ادراک کرده بود و این همان نکته‌ی بود که پیش از وی رابرت وگن^۳ در هر دو (صوفیان و امرسون) تأیید نموده، اما اینگ^۴ هر دو را ردّ کرد. او معتقد بود که: تصوّف یا عرفان اسلامی، چونان یک آسیایی واقعی، آزادانه از زبان اروتیک استفاده می‌کند و آشکارا می‌کوشد که به زیاده روی در هوس بازی‌ها چهره‌ای مذهبی و نمادین بدهد! (Alger, 1865). جدا از طرفداری‌های نژادی و فرهنگی، اظهار چنین دیدگاهی از عرفان ایران، پیروزی اندکی برای مخالفان خیّام به همراه داشت. در سال ۱۹۰۶ دانشمند دیگری بیان کرد که در چنین فضای عرفانی که اکنون به وجود آمده، شایسته است هر انگلیسی، استاد عرفان، جلال‌الدین رومی را بشناسد. تأسف‌انگیز بود که کلود فیلد^۵ می‌اندیشید که مولانا همچون خیّام، فیتز جرالدی نخواهد داشت (Hastie, 1903: xxiii).

-
1. William Ralph Inge.
 2. Ralph Waldo Emerson.
 3. Robert Vaughn.
 4. Inge.
 5. Claud Field.

البته این خود مشکلی بود. این آرزوی فیتزجرالد بود که کاول^۱ اشعار مولانا را ترجمه نماید، اما کاول دربارهٔ دیگر شاعران فارسی بیشتر از مولانا به کار پرداخت. در سال ۱۸۹۸ با انتشار ترجمه چند غزل از دیوان مولانا به قلم استاد تراز اول عربی و فارسی، رینولد. الین. نیکلسون^۲ (۱۸۶۸-۱۹۴۵)، روزنه امیدی پدیدار شد. او توانست همگان را متقاعد کند که مولانا بزرگ‌ترین شاعر عارف همه اعصار است و بی‌تردید نسخه ترجمه شده او نیز شاهدهی قوی بر ادعایش بود، (Inge, 1899:118, 321, 371) اما در این میدان وسیع او توانایی رقابت با رباعیات را نداشت. علاقه نیکلسون به آثار مولانا بیش از یک علاقه علمی صرف بود و او بقیه زندگی خود را صرف انتشار، ترجمه و تفسیر مثنوی مولانا نمود، کاری که فیتزجرالد امیدوار بود کاول آن را انجام دهد. هر چند او برای انجام تحقیقات و کار عملی دربارهٔ برخی آثار معروف خود زمان کافی در اختیار داشت، نتوانست بر عموم خوانندگان تأثیر چندانی بگذارد. در هر حال نیکلسون یک مبارز نبود، او تنها به تمسخر ختم بسنده نمود (Field, Oct.1905-Sept. 1906: 452 ff) و چنین پرسید که «آنها می‌خواهند چه چیز در باره ایران بدانند که تنها ختم آن را می‌دانند؟ و مصرانه اظهار نمود که برای شناخت روح ایران ما باید با شک‌گرایی، لذت‌جویی و مردم محبوب آن - که گاه بیشتر با ما مهربان‌اند - خداحافظی کنیم و به قافله عرفان بپیوندیم که اشتیاق عمیق این قوم را به خوبی نشان می‌دهد. (Selected Poemes from the Divani Shamsi Tabriz 1898).

هنوز برتری با پیروان ختم بود و نیکلسون خود با انتشار نسخه جدیدی از اشعار ختم در مراسم پنجاهمین سال انتشار رباعیات شرکت جست (Nicholson, 1911:62, 70 ff).
 سر ادوین آرنولد^۳ (۱۸۳۲ - ۱۹۰۴) از مردان خردمند اواخر عصر ویکتوریایی بود که می‌کوشید، «تا نسلش پلی باشد میان شرق و غرب». (Nicholson, 1931) او نیز مانند بسیاری از انگلیسی‌های عصر خود، در دهه پنجاه، مدیر یکی از مدارس هند بود و می‌توان گفت علاقه او به شعر فارسی از همان زمان آغاز شد. هند از سویی مکانی کاملاً مناسب برای گسترش وحدت‌گرایی کلیسایی بود؛ زیرا در آنجا آیین هندو، بودا، مسیحیت و اسلام به عنوان مذاهب مختلف، فعال بودند. تجدّدطلبی کلیسایی آرنولد،

1. Cowell.
 2. Reynold Alleyne Nicholson.
 3. Sir Edwin Arnold.

آزادی خواهی او در سیاست (به‌رغم محافظه کاری‌اش در سیاست خارجی) و تعریفی که از امپراتوری بریتانیا داشت و آن را فعالیت مشترک مردم آسیا و حاکمان انگلیسی می‌دید که هر دو از آن بهره می‌بردند، او را قادر می‌ساخت نگاهی مهربانانه - هرچند ارباب منشانه - به ادبیات مذهبی شبه قاره داشته باشد. در همه این آثار او به دنبال زمینه‌های اخلاقی مشترک بود و می‌کوشید تا عقاید جزمی را تقلیل دهد. او از روح آزاداندیش تنیسون پیروی می‌کرد و عقایدش به عقاید تعالی‌گرایان آمریکایی بسیار شباهت داشت. به همان میزانی که اثر او به نام *آواز آوازهای هندی*^۱ بر آیین هندو مؤثر بود، آثار دیگرش از جمله *نور آسیایی بر بودایی‌گری*، *نور جهان بر مسیحیت و مرواریدهای ایمان* نیز بر روی اسلام تأثیرگذار بودند. عنوان فرعی این اثر *تسبیح اسلامی؛ نود و نه نام زیبای الله* بود. هر یک از ۹۹ بخش کتاب، یک واحد شعری جدا بود و به یکی از صفات خدا، مانند بخشندگی، رحمانیت، مشیت و مفاهیمی مشابه می‌پرداخت. بخش اعظم این اثر برگرفته از ترجمه جورج سیل^۲ (۱۷۳۶-۱۶۹۷) از قرآن بود، اما بخشی دیگر از آن نیز به ترجمه اشعار یا خردنامه‌های فارسی مربوط می‌شد، به عنوان مثال، شماره ۱۵، حکایت معروف سعدی درباره ابراهیم و آتش پرست را می‌توان نام برد - که فرانکلین^۳ به گونه‌ای دیگر آن را بیان کرده بود - شماره‌های ۲۷ و ۴۵ از مثنوی مولوی اقتباس شد و شماره ۶۲ نیز گزارشی بود از مرگ مولوی (Nicholson, 1909).

ادوارد. جی. براون (۱۹۲۶-۱۸۶۲) مقدمه منثور دفتر اول مثنوی را که مولانا آن را «اصول اصول اصول‌الدین» خوانده به زبان انگلیسی ترجمه نمود و حکایت وزیر جهود را به زبان فاخر دوران ویکتوریایی به نظم درآورده است. نیکلسون در پیشگفتار ویراست مثنوی خود به اختصار می‌گوید براون ترجمه و تدوین مثنوی و همکاری را به وی پیشنهاد داد و اینکه وی را در درک این «قرآن به زبان پهلوی» کمک خواهد کرد. در حقیقت نقطه عطف مطالعات مولوی‌شناسی را باید رینولد الین نیکلسون (۱۹۴۵-۱۸۶۸) دانست. او تنها برای شرح مثنوی هشت جلد کتاب تألیف کرد و پانزده سال از عمرش را صرف نمود، چندان که در مسیر همین کوشش بینایی خود را از دست داد. نیکلسون در باب مثنوی چنین می‌گوید:

1. song of songs.
2. George Sale.
3. Franklin.

«مثنوی گستره شگفت‌آور نبوغ شعری جلال‌الدین را خیلی کامل‌تر از دیوان شمس تبریزی به معرض نمایش می‌گذارد. غزل‌های او به بالاترین نقطه‌ای می‌رسند که اشعار ملهم از رازبینی و حال، توان نیل به آن را دارند و همین عوامل به تنهایی او را به عنوان چهره ممتاز و بلا منازع عرفان مطرح خواهند کرد. غزل‌های او در جهانی به دور از حالات و تجربیات روزمره جریان دارد و فقط در حضور آن وجود «پیدا» قابل رویت است؛ حال آنکه مثنوی در اصل به مسائل و تأملات مربوط به اخلاق و آداب و فایده و معنای زندگی می‌پردازد» (Brooks, 1957: 179).

او همچنین در مقدمه ترجمه و شرح مثنوی خود از دشواری‌های ترجمه این اثر چنین می‌گوید:

«حجم مثنوی مهم‌ترین یا بدترین مانعی نیست که مترجم با آن روبروست. مترجم بلافاصله خود را در مشکلی بنیادین گرفتار می‌بیند که از آن گریزی نیست: اگر ترجمه به اصل وفادار است، قاعدتاً باید تا حدود زیادی نامفهوم باشد؛ و اگر مترجم پیوسته بکوشد متن را قابل فهم کند، ناچار می‌شود اغلب اصطلاحات معادل را به صورت آزاد و بلند که اصولاً متعلق به محدوده شرح و تفسیر است به کار برد، گرچه این شیوه خواننده‌ای را که سعی دارد متن را دریابد و معنا یا معناهای ممکن در آن را یادگیرد، راضی نمی‌تواند کرد. بنابراین، یک ترجمه کامل مثنوی، بنا به تعریف علمی، ترجمه‌ای است وفادار به اصل همراه با یک شرح و تفسیر کامل...» (Pearls of the Faith in, 1892).

او آشنایی ناقص محققان غربی را با مثنوی، تعجب‌آور ندانسته و در مقدمه ترجمه و شرح مثنوی خود، می‌گوید:

«مثنوی به اعتبار معیارهای جدید، منظومه‌ای است بسیار طولانی و شمار ابیات آن تقریباً برابر مجموع ابیات *ایلید* و *ادیسه* [هومر]، و دو برابر ابیات *کمدی الهی* [دانته] است؛ و ضمناً قیاس بر پایه ابیات، آن را کوتاه‌تر از آنچه هست می‌نمایاند، هر بیت مثنوی دارای بیست و دو هجاست در حالی که شش رکنی^۱، که به ویژه در شعر حماسی هجائی یونانی و لاتینی به کار رفته است. از سیزده تا هفده هجا دارد و ترزا ریمای^۲ نوعی شعر ایتالیایی سه مصرعی است، دارای ده یا یازده هجا در هر مصرع دو هجای پایانی ضربی است و مصرع میانی آن با مصرع اول و سوم سه مصرعی بعدی هم

1. Hexameter.
2. Terza rima.

قافیه می‌شود. در کمدی الهی دانته این شکل شعری به کار رفته است.) مانند بندهای اسپنسر، تنها ده یا یازده هجا به خود می‌گیرد. بدین ترتیب مثنوی با ۲۵۷۰۰ بیت در واقع اثر مفصل‌تری است از ملکه پریان^۱ منظومه‌ای از ادموند اسپنسر شاعر قرن شانزدهم انگلیسی با ۲۳۵۰۰ بیت، از سوی دیگر، از لحاظ طولانی بودن به راحتی از بسیاری از منظومه‌های فارسی پیشی گرفته است؛ و اینکه شاهنامه از آغاز تا پایان به زبان‌های انگلیسی، فرانسه و ایتالیایی ترجمه شده، پاسخی است به این پرسش جرج روزن که: «چه کسی حاضر است بخش بزرگی از زندگی خود را وقف ترجمه سی یا چهل هزار بیت شعر فارسی با ارزش‌های شاعرانه نابرابر بکند؟» (لوئیس، ۱۳۸۳: ۶۶۹).

نیکلسون در مقدمه خود بر ترجمه و شرح مثنوی، مهم‌ترین ترجمه‌های اروپایی موجود از مثنوی را بدین سان بر می‌شمارد:

۱. مثنوی شیخ مولانا جلال‌الدین رومی، ترجمه از فارسی، جرج روزن (لایپزیک، ۱۸۴۹).
 ۲. مثنوی مولانا جلال‌الدین محمد الرومی، دفتر اول، همراه با گزارشی از زندگی و اعمال مؤلف و نیاکان و نوادگان او از طریق عرضه مثال‌های گزیده از اقوال برجسته‌یی که مورخ آن خاندان مولانا شمس‌الدین احمد الافلاکی گردآورده است. ترجمه و سرایش به شعر جیمز دبلیو. ردهاوس (لندن، ۱۸۸۱).
 ۳. مثنوی معنوی، ابیات روحانی مولانا جلال‌الدین محمد رومی، ترجمه و تلخیص از ای. اچ. وینفیلد (لندن، ۱۸۸۷، چاپ دوم، ۱۸۹۸).
 ۴. مثنوی جلال‌الدین رومی، دفتر دوم، بخش ترجمه از فارسی به نثر، همراه با شرح و تفسیر، از سی.ای. ویلسون (لندن، ۱۹۱۰).
- نیکلسون علاوه بر کار روی مثنوی، منتخبی از اشعار دیوان شمس تبریزی به همراه مقدمه و توضیحاتی مبسوط بر آن را به چاپ رساند، در سال ۱۹۲۴ برای نخستین بار *فیه ما فیه* را به محافل علمی غرب معرفی کرد و بعدها مختصری از آن را ترجمه نموده، به چاپ رساند.

وی پیش از اتمام کار تصحیح مثنوی کتابی با عنوان *قصص عرفانی: گزیده قصه‌های مثنوی جلال‌الدین رومی* (لندن؛ Chapman & Hall، نیویورک: Frederick Stokes، ۱۹۳۱) را منتشر نمود که شامل پنجاه و یک داستان برگزیده و مقدمه‌ای است که

1. Faerie Queen.

نیکلسون طی آن، پیرامون داستان‌پردازی در مثنوی مولوی توضیح می‌دهد. آرتور جی. آربری (۱۹۶۹-۱۹۰۵) یکی دیگر از متفکران بزرگ در مسیر مولوی‌شناسی به شمار می‌رود. آربری در محضر نیکلسون به تحصیل علم پرداخت و به پیشنهاد او بود که به ترجمه *فیہ ما فیہ مولانا* با عنوان *گفتارهای رومی همت گمارد*. (لندن: John Murray, ۱۹۶۱، با چاپ‌های متعدّد)

از کوشش‌های آربری یکی تألیف *قصص مثنوی* در دو جلد و دیگری ترجمه *گزیده‌ای از دیوان شمس است*. (نقل به مضمون از مقدمه: Iqbal, Afzal, Life and Work of Rumi (Institute of Islamic Culture, Club Road Lahore, Fourth Edition 1978).

در اواخر قرن نوزده و اوایل قرن بیستم، شاعران بسیاری بودند که تحت تأثیر فضای ویکتوریایی با اشعار فارسی آشنایی داشتند و بازتاب این آشنایی را می‌توان در آثارشان دید. آرتور سایمونز (۱۹۴۵-۱۸۶۵)، جیمز الروی. فلکر (۱۹۱۵-۱۸۸۴)، کالین گاربت (؟) - (۱۸۸۱) رابرت دانکن (۱۹۸۸-۱۹۱۹)، دانیل لیبرت، رابرت بلای (- ۱۹۲۶) و کولمن بارکس (- ۱۹۳۷) از جمله این شاعران محسوب می‌شوند.

جیمز الروی فلکر هم به فارسی و هم به زبان ترجمه با شعر مولانا آشنایی داشت. او نزد ایران‌پژوه معروف ادوارد براون به تحصیل علم پرداخت و با تأثیرپذیری از مولانا شعری با عنوان «دوستدار جلال‌الدین» سرود! فلکر توجه خاصی به شکل و وزن شعر فارسی داشت، به طوری که حتی در برخی از ترجمه‌هایش، انواع شعر فارسی مثل «غزل» (اشعار «یاسمن» «نوای جنگ اعراب صحرانشین» و ترجیع بند شعر «سعد آباد» را که در سفر طلایی به سمرقند (لندن: Max Goschen, ۱۹۱۳) چاپ شد، به عربیت می‌گیرد.»

کالین کمپیل گاربت در سال ۱۸۸۱ از پدر و مادری انگلیسی در هند به دنیا آمد و تحصیلات خود را در کمبریج به پایان رساند و پس از آن مدتی به مشاغل دولتی پرداخت. در سال ۱۹۵۶ او شماری از اشعار مولوی را ترجمه کرده در کتابی با عنوان *خورشید تبریز به چاپ رساند*.

اشعار ترجمه شده از سوی گاربت را می‌توان به شکل تحت‌اللفظی‌تری در دیوان شمس ترجمه نیکلسون یافت و اثر گاربت در واقع تنها توضیحات مربوط به این اشعار به زبان انگلیسی است و در نهایت اینکه این اثر هرگز نتوانست جای خود را در میان

خوانندگان انگلیسی زبان باز کند. و بنابراین، تأثیر چندانی نیز به جای نگذاشت. رابرت ادوارد دانکن شاعری صاحب قریحه و نوگرا بود که اشعارش کمک شایانی به ظهور شعر نو در آمریکا نمود. اینکه دانکن دقیقاً به چه صورتی با اشعار مولانا آشنا شده است، چندان آشکار نیست. اما به هر حال تأثیر این آشنایی هم به شکل مستقیم (شعر یازده صفحه‌ای چرخ یک آواز) و هم به شکل غیرمستقیم در روح آثار او قابل درک است. دانیل لیبرت نخستین مجموعه ترجمه اشعار مولوی را در اندازه یک کتاب و به زبان امروزی به صورت شعر آزاد با عنوان؛ *رومی: قطعه‌ها و خلسه‌ها* به رشته تحریر درآورد. او بیست و چهار شعر را ترجمه کرده و به جای عنوان به آنها شماره داده است، او مأخذ اشعار را ذکر نمی‌کند، اما غالب آنها برگرفته از دیوان شمس هستند. «ترجمه‌های منظوم لیبرت، با انسجام و جذاب هستند، هرچند او از حذف بیت یا رفع و رجوع کردن استعارات ابایی ندارد» (مثنوی، دفتر اول، مقدمه مترجم انگلیسی: ۸-۹).

رابرت الوود بلای را می‌توان یکی از بزرگ‌ترین شاعران زنده آمریکا دانست. او در سال ۱۹۶۰ با انتشار چند مجموعه شعر با مضامین سیاسی و ضدجنگ شهرت یافت و در سال ۱۹۸۱ کتابچه‌ای چهل و چهار صفحه‌ای از اشعار مولوی را که به همراه کولمن بارکس با عنوان «شب و خواب» (کمبریج، ماساچوست: *Yellow moon*، ۱۹۸۱) ترجمه کرده بود به همراه تصاویری از ریتا شومیکر به چاپ رساند. دو سال بعد نیز کتابچه‌ای شانزده صفحه‌ای از ترجمه اشعار مولوی را با نام *وقتی/نگور می، می‌شود* (کمبریج، ماساچوست: *Firefly*، ۱۹۸۳، چاپ مجدد *Yellow moon*، ۱۹۸۶) به چاپ رساند. رابرت بلای این اشعار را در مناسبت‌های گوناگون در مجامع عمومی خواند و حتی به همین منظور در همایش مولوی‌پژوهان در واشنگتن دی. سی. شرکت نمود» (مثنوی، دفتر اول، مقدمه مترجم انگلیسی: ۸-۹).

بلای علاوه بر این، آثار دیگری نیز تحت تأثیر مولانا یا درباره او پدید آورده است، انتشار چند مجموعه شعر به همراه کولمن بارکس و نواری با عنوان اشعار رومی (به کلی، کالیفرنیا: *Audio Literature*، ۱۹۸۹) که با موسیقی همراهی می‌شود، از این دست فعالیت‌های اوست.

کولمن برایان بارکس از طریق بلای با اشعار مولوی آشنا شد و نخستین ترجمه‌هایش از آثار او در کنار ترجمه‌های بلای به چاپ رسید، اما بعدها با تبدیل به

یکی از بزرگ‌ترین مترجمان آثار نخستین ترجمه‌های مستقل او با عنوان *راز سرگشاده* در سال ۱۹۸۴ به چاپ رسید. (پوتنی، ورمونت: انتشارات Threshold، ۱۹۸۴) بارکس به نظم کشیدن اشعار مولوی از ترجمه‌های جان ایبل موین (با نام اصلی جواد معین) استاد ممتاز زبان‌شناسی دانشگاه نیویورک که فردی ایرانی الاصل است بهره می‌گیرد. به جز *راز سرگشاده*، *باران نادیده: رباعیات رومی* با ترجمه موین (انتشارات Threshold، ۱۹۸۶)، این *لحظه‌های جدایی* (پراویدنس، ردآیلند، Copper Beach، ۱۹۸۷)، مشتمل بر چهل شعر برگزیده از دیوان شمس، از این آرزومندی (Threshold، ۱۹۸۸) که شامل اشعار و حکایات آموزنده مثنوی به همراه مکتوباتی از جلال‌الدین رومی، *خنده‌ی لذت بخش* (Maypop، ۱۹۸۹)، *همچون این* (maypop، ۱۹۹۰)، *لمس شانه‌های شیر* (Threshold، ۱۹۹۱)، *سبب‌بافی با یک دست* (maypop، ۱۹۹۱) چاپ مجدد در برکلی، (Quelquefois، ۱۹۹۳)، *نغمه پرند* (maypop، ۱۹۹۳) و بسیاری از آثار دیگر حاصل فعالیت مشترک جان موین و بارکس است.

علاوه بر اینها، افراد دیگری نیز بودند که طبع خود را در ترجمه اشعار مولانا آزمودند.

یاشا کسلر (- ۱۹۲۹) منتقد ادبی، استاد ممتاز زبان انگلیسی و ادبیات معاصر دانشگاه UCLA و نویسنده اهل نیویورک مجموعه‌ای از اشعار مولانا را به صورت موزون و مقفی ترجمه نموده است.

جانانان استار، استاد دانشگاه هاروارد در رشته «مذاهب و معماری شرقی» نیز به تألیف اثری درباره مولانا با عنوان *باغی آن سوی بهشت: شعر عرفانی رومی* (نیویورک، Bantam، ۱۹۹۲) و اثر دیگری به نام *مجموعه رومی، در آغوش یار* (نیویورک: Tarcher / Patnam، ۱۹۹۷) که ترجمه پاره‌ای از اشعار اوست، پرداخته است.

جیمز جی کوان (- ۱۹۴۲) مدرس هنر نیز در اثرش با عنوان «شرح جدید بر دیوان شمس تبریزی مولوی» (انتشارات Element، ۱۹۹۷)، پنجاه شعر برگزیده نیکلسون از دیوان شمس را گرفته و آنها را در «ساختار، شعر نو بازنویسی کرده است. این کتاب در حقیقت متن تجدید نظر شده کتاب دیگری از کوان با عنوان «منتخب غزل‌های دیوان شمس تبریزی» (شنتسبری، انگلیس و راک پورت، ماساچوست. Element، ۱۹۹۲) است.

رابرت فان دی وید (- ۱۹۵۰) که به تدوین سلسله کتاب‌های فلسفه روح و

جان» می‌پردازد نیز یک مجلد از مجموعه کتاب‌هایش را که هر یک به معرفی یکی از فلاسفه و حکمای بزرگ جهان می‌پردازند، به مولانا اختصاص داده است. این کتاب *مختصری از رومی* (لندن، اوکلند و سیدنی، Hodder & Stoughton، ۱۹۹۸) نام دارد و با وجود خورده‌هایی که می‌توان بر آن گرفت، از لحاظ مقدمه‌ای که بر زندگی مولانا نگاشته، نقدنامه تصوف و قرآن حاوی نکات نسبتاً صحیح و قابل تأملی است.

کریش خُسلا (Krish Khosla)، اقتصاددان تحصیل کرده کمبریج، دارای عاطفی خود را در حوزه مولوی‌شناسی سرمایه‌گذاری کرده و طی سی سال اخیر اقامت‌اش در هند به بررسی احوال و آثار وی پرداخته است. به نظر نمی‌رسد او فارسی را با مولوی‌پژوهی فرا گرفته باشد، چون احتمالاً کتاب *رومی از زبان قصص صوفیان سخن می‌گوید* (شیکاگو، Kazi، ۱۹۹۶) بر اساس ترجمه کامل مثنوی نیکلسون تألیف شده است. و البته نثر آثار نیکلسون نثر آکادمیک است، ولی نثر خُسلا، نثر ساده و شفاف و البته قدری قدیمی است. از خسلا کتاب دیگری با عنوان *تصوف از دیدگاه رومی* نیز به چاپ رسیده است (Kazi، ۱۹۹۶).

دپیاک چوپرا که با همکاری شخصی به نام فریدون کیا به چاپ اثری به نام *عاشقانه‌های مولوی* (Harmony، ۱۹۹۸) پرداخته است.

اندرو هاروی (- ۱۹۵۲) نیز که آثار متعددی پیرامون مکاتب عرفانی جهان تألیف نموده است، کتاب‌های *طریق احساس: بزرگداشت مولوی* (برکلی: Frog، ۱۹۹۴؛ چاپ مجدد در لندن، Souvenir، ۱۹۹۵ و در قالب کتاب شنیداری در همان سال)، *بازآفرینی‌هایی از مولوی* (اتیلاکا، نیویورک، انتشارات Meerama، ۱۹۸۸)، *شعله سخنگو* (Meerama، ۱۹۸۹)، *نور در نور: الهام‌هایی از مولوی* (برکلی: آتلانتیک شمالی، ۱۹۹۶)، *شکوه عشق: بازآفرینی‌هایی از مولوی* (سانفرانسیسکو و برکلی: انتشارات بالتازار و آتلانتیک شمالی) و *رایحه صحرا: الهام‌هایی از حکمت صوفیان* (وتین، ایلی نویز: انتشارات Quest، ۱۹۹۹) را در باره مولانا منتشر نموده که برخی از آنها درباره مولانا و برخی دیگر ترجمه و یا به زعم خود هاروی بازآفرینی اشعار اوست.

کبیر هلمینسکی (- ۱۹۴۷) شیخ مولویان آمریکا نیز مجموعه‌ای از ترجمه‌های اشعار مولانا را برگزیده و در کتاب *گلچین اشعار مولوی: مجموعه ترجمه‌های شعر مولانا جلال‌الدین رومی* (براتل بورو، ورمونت: Threshold، ۱۹۹۸) گردآوری کرده است.

او، خود نیز به ترجمه اشعار مولانا پرداخته و تاکنون چندین مجلد از ترجمه‌هایش را منتشر نموده است.

ویرانه‌های دل: منتخب غزل‌های جلال‌الدین رومی (پوتنی، ورمونت، Threshold، ۱۹۸۱)، مولوی، طلوع خورشید: دفتر روزانه ارشاد معنوی (Threshold، ۱۹۹۰)، گوهرهای یادآوری، مجلد دوم دفتر روزانه ارشاد معنوی (Threshold، ۱۹۹۶)، از جمله آثار اوست.

جان هیک استاد فلسفه دین در کتاب - تفسیر دین: پاسخ‌های انسان به وجود متعالی - (New Haven، انتشارات دانشگاه ییل، ۱۹۸۹) فصلی را با نقل قول از مولانا آغاز می‌کند: شمعها بسیارند اما روشنایی یکی است.

استادان حوزه مطالعات تطبیقی ادیان نظیر جفری پاریندر، مولوی را درمقوله‌های تحقیقی خود گنجانیده‌اند. (عرفان در ادیان جهان، لندن، Sheldon، ۱۹۷۶) آلدوس هاکسلی (۱۹۶۳-۱۸۹۴) که امروزه او را بیشتر با رمان دنیای شگفت‌انگیز نو می‌شناسند. از جمله چهره‌های سرشناس در حوزه اعتقادات دینی مشرق زمین خاصه آرای راماکریشنا بود. او در - فلسفه جاویدان - (نیویورک و لندن: Brothes & Hqrper، ۱۹۴۶) که خلاصه‌ای از اقوال بیش از یکصد متفکر دینی سراسر جهان را گردآورده است، پانزده بار از حکام مولانا نقل قول کرده است. هاکسلی با ترجمه وینفیلد از مثنوی با مولانا آشنا شده است.

راهب دومینیک، سیپرین رایس (لندن، Allen&Unwin، ۱۹۴۶)، روحيات وحدت‌گرای مولوی را با روح کاتولیک مسیحیت در هم می‌آمیزد رایس در محضر نیکلسون به تحصیل علم پرداخت و بسیار او را می‌ستود. او که شور و علاقه نیکلسون به مولانا تا حدودی در وجودش رخنه کرده بود، علاقه‌مند شد مولوی را به مخاطبان کاتولیک معرفی کند و اظهار امیدواری کرد که تصوف ایرانی، علی‌الخصوص تصوف مولوی بتواند موجب «پیوند تفکر دینی غرب و شرق و تفاهم و مصاحبت کارن آرمسترانگ کاتولیک و سابقاً راهبه در آثار خویش پیرامون مناسبات بین ادیان، شرح مختصری از زندگی مولوی را در کتاب پر فروش تاریخ خدا/ (نیویورک، Knopf، ۱۹۹۴) می‌آورد.

در مذهب پروتستان هم یک آمریکایی اهل ایالت لوئیزیانا به نام روی کارول دلامورت (- ۱۹۱۷) از دانشگاه اموری (Emory) به دریافت درجه کارشناسی در الهیات نایل

شد و کشیش کلیسای مقدس منصوب گشت وی پس از تکمیل تحصیلاتش در مقطع دکتری در رشته ادیان جهان از دانشگاه ییل در سال ۱۹۵۳ که با نوشتن رساله‌ای با عنوان *ویژگی‌های حالات عرفانی از زبان استعاره‌ی مثنوی جلال‌الدین رومی* فارغ‌التحصیل گردید، به تدریس فلسفه و دین در دانشگاه پین^۱ در آگوستا ایالت جورجیا پرداخت. رساله مذکور سی سال بعد تحت عنوان *جلال‌الدین رومی مرغ آوازه خوان آیین صوفی‌گری* (مریلند، انتشارات دانشگاه آمریکا، ۱۹۸۰) به چاپ رسید. دلاموت قبل از آن، با نام استعاره‌ی گریگوری ویلسی دو رمان در انتشارات Doubleday به چاپ رسانده بود.

کشیش ساموئل ترومبور در هفدهم دسامبر سال ۱۹۹۵ به مناسبت سالگرد وفات مولانا، موعظه‌ای ایراد نمود با عنوان «در جستجوی یار» که در اواسط آن غزلی از مولانا (با ترجمه دانیل لیبرت) و سرودی بر اساس شعر مولانا خواند که موسیقی آن را کشیش لین اونگار تصنیف کرده بود.

وانسا ردگریو، هنرپیشه زن انگلیسی، با روی آوردن به روحيات بین‌المللی و بین‌مذهبی روایت فیلم سی دقیقه‌ای کارگردان ترک، فهمی گر جکر با عنوان «مدارا: تقدیم به مولانا جلال‌الدین رومی» را انجام داد (لندمارک فیلم، ۱۹۹۵).

جوزف کمپل در یادداشتی بر *قهرمان هزارچهره* (با لینگن، سری ۱۷، پرینستن، انتشارات دانشگاه پرینستن، ۱۹۶۸) نشان می‌دهد که با مولوی بیشتر از یک نام شناخت دارد و او را مدافع نظریه مدارا معرفی می‌کند.

هلن لوک (۱۹۰۴-۱۹۹۵) روان‌پزشک طرفدار عقاید یونگ، واپسین ماه‌های عمر خویش بین اکتبر تا ژانویه ۱۹۹۴ را به جست و جو در آثار و آرای مولانا گذراند.

کتاب مولوی ایرانی: تولد دوباره خلاقیت و عشق، (لاهور، ش محمد اشرف، ۱۹۶۳ و ۱۹۶۵، نیویورک: *orientalia Ant*، ۱۹۷۰، بوستون، Roudlge & Kegan paal، ۱۹۷۴) ثمره همکاری عبدالرضا آراسته با اریش فروم است. فروم در مقدمه مولوی را به اکهارت تشبیه می‌کند با این تفاوت که مولوی در بیان، جسارت بیشتری دارد و کمتر در قید سنت‌گرایی است (صص ۸-۹) او تعالیم مولوی را مشوق عارف می‌داند و در فراتر رفتن از مرحله‌ی یکی شدن با خدا و پیوند متعالی باعیات (ص ۹۰) او مولوی را نه تنها طلایه-

1. Paine.

دار افکار اومانیسیم عهد رنسانس و نظرهای اراسموس و نیکولاس دکوزا در باب مدارای مذهبی می‌داند، بلکه او را در تعریف عشق به عنوان «اساسی‌ترین نیروی خلاقه» مقدم بر فیچینو^۱ دانسته و او را می‌ستاید.^(۲)

نتیجه‌گیری

دانشمندان و شرق‌شناسان و ایران‌شناسان گوناگونی جهت رشد و تعالی و تنوع بخشی به ادبیات و فرهنگ کشور خودشان به آثار ادب فارسی - شعر یا نثر - توجه کردند و از طریق ترجمه، اقتباس یا ترجمه آزاد، مضامین فراوانی به ویژه از آثار مولانا جلال‌الدین به سبک‌ها و مکتب‌های تازه‌ای دست یافتند. رمانتیسیم در کشورهای اروپایی و تعالی‌گرایی در سرزمین آمریکا به گونه‌ای گسترده تحت تأثیر آثار ادب عرفانی فارسی قرار گرفت و کسانی همچون ویلیام جونز، کلوتون، کاول، تنیسون، کانوی، امرسون، الکات، لوول، آلگر ... همه و همه با روی آوری به ادب فارسی و آثار مولانا نخست خود را متحوّل ساخته و سپس به تغییر و تحوّل آثار ادبی توجه کردند.

در سال ۱۹۰۶ م. یکی از دانشمندان غربی چنین بیان کرد که با فضای عرفانی که اکنون به وجود آمده، شایسته است هر انگلیسی، جلال‌الدین رومی، استاد عرفان، را بشناسد! در زمینه روش‌مندی طریقه‌های مطالعات غربی و آمریکایی بر آثار مولانا جلال‌الدین شایسته است که دانشمندان ایرانی از روش‌های مطالعات سودمند استفاده کنند و به تقویت اثربخشی آثار ادب عرفانی بپردازند تا از این طریق آثار مهم ادب عرفانی فارسی شناخته شود و نهضت‌های اخلاقی و تربیتی و زیبایی‌شناسی پدید آید.

پی‌نوشت

۱. «Letters of Sir William Jones»، گارلند کاین، صص. ۶۳۲ و ۷۳۵. عنوان آن «mesnair» معرفی شده که احياناً ناشی از اشتباه در خواندن دست‌نوشته جونز است.» به نقل از مولوی: دیروز و امروز، شرق و غرب، فرانکلین دی لویس، ... ص ۶۹۴.
۲. آن بخش از مقاله که به مولوی‌پژوهی در دوران معاصر می‌پردازد از بخش سیزدهم اثر فرانکلین لوئیس با عنوان مولوی: دیروز و امروز، شرق و غرب، ترجمه فرهاد فرهمندفر، برگرفته شده است.

1. Ficino.

منابع

- لوئیس، فرانکلین (۱۳۸۳) مولوی: دیروز و امروز، شرق و غرب، ترجمه فرهاد فرهمندفر، تهران: نشر ثالث.
- نیکلسون، رینولد آ (۱۳۸۱) تصیح و ترجمه مثنوی معنوی، تهران: سعاد.
- یوحنا، جان دی (۱۳۸۶) گستره شعر پارسی در انگلستان و آمریکا ترجمه و تحقیق احمد تمیم داری، تهران، روزنه.
- Brooks Wright, (1957) *Interpreter of Buddhism to the west: Sir Edwin Arnold*
New York: Bookman Associates, Inc.
- Claud Field, (1906) "The Master Mystic," *Expository Times*, XVII Oct. 1905-Sept.
- Cowell, (July- Aug. 1848) "The Mesnevi of Jelalleddin Rumi", *Gentleman's Magazine* NS XXX.
- Flowers Culled from the Gulistan or Rose Garden and From the Bostan or Pleasure Garden of Sadi (1876) London: Privately Printed.
- Iqbal, Afzal, (1978) *Life and Work of Rumi* Institute of Islamic Culture, Club Road Lahore, Fourth Edition.
- Irfani, A. Hamid, *The Saying of Rumi and Iqbal* Lahore, Ripon Printing Press Ltd.
- Letters of James Russell Lowell, (1894) ed. Charles E. Norton, 2 vols. New York: Harper.
- Lowell, "Fragments of an Unfinished Poem, (1904)" *Complete Writing*, 16 vols. Elmwood Ed. Boston: Houghton Mifflin.
- Nicholson, (1931) *Persian Lyrics* London: Ernest Benn, "Preface."
- Nicholson, (1911) *The Don and the Dervish, a Book of Verses Original and Translated* London: J. M. Dent.
- Pearls of the Faith in Poetical Works, 2 vols. (Boston: Roberts Bros., 1892)
- Persian Poetry for English Readers*, (1883) ed. W.A. Clouston Glasgow: Privately Printed.
- "Samuel Robinson, (1870)" *DNB*, XVII, 44. Robinson's first published translations from the Persian were called *Flowers Culled from Persian Gardens* Manchester: Privately printed.
- Selected Poems from the Divani Shamsi Tabriz* (1898) Cambridge: University Press.
- Sketch of the Life and Writings of Ferdusi* (1876) London: Privately Printed.
- The quotation from Hegel is taken from William Hastie, *Festival of Spring from the Divan of Jelalleddin* (1903) Glasgow: Maclehose.
- William Hastie, (1903) *Festival of Spring, from the Divan of Jelalleddin* Glasgow: James MacLehose & Sons.
- William Ralph Inge, (1899) *Christian Mysticism* New York: Scribner's.
- William Rousenville Alger, (1865) *the Poetry of the Orient*, 2nd. Ed. Boston: Robert Bros.
- Yohannan, John D, (1977) *Persian Poetry in England and America* Delmar, New York.